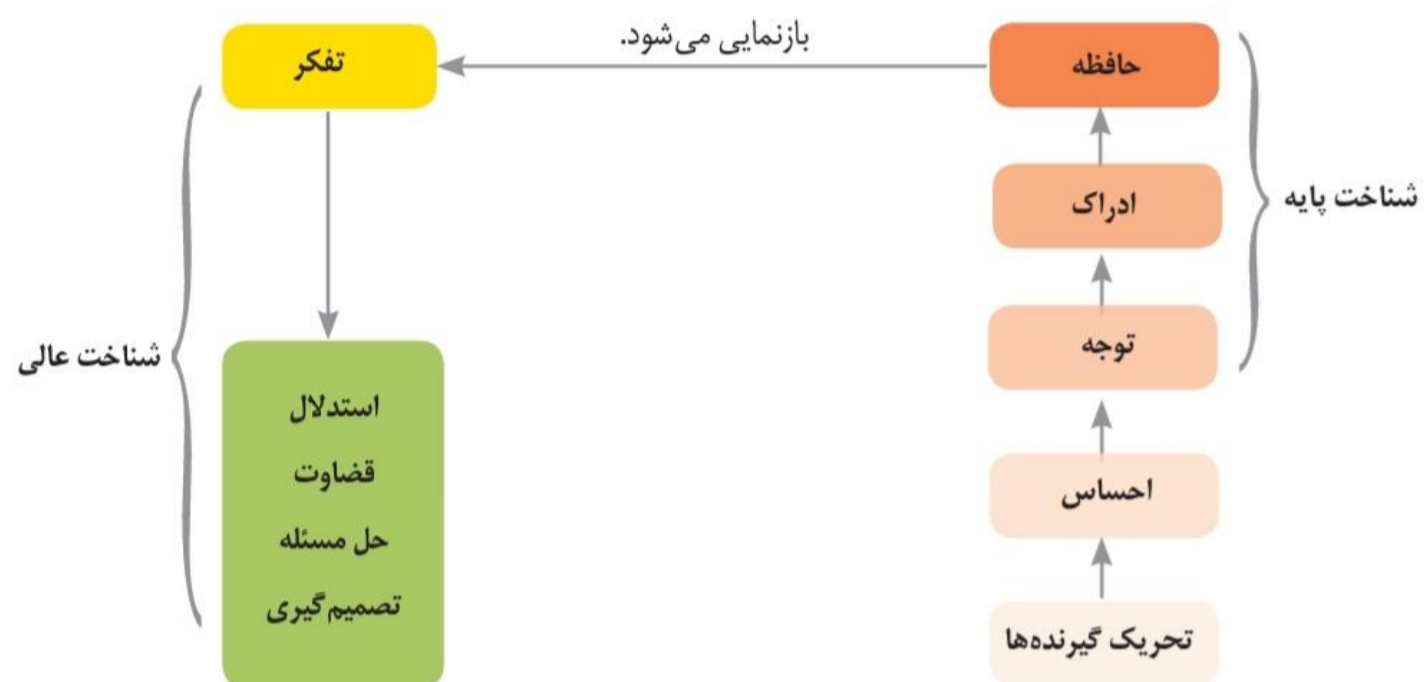


شناخت چیست؟

روان‌شناسی نوین، در تبیین موضوعات مورد مطالعه، با واژه «شناخت» بسیار سر و کار دارد. ما در این بخش از کتاب به صورت دقیق و سلسله مراتبی، شناخت را تعریف می‌کنیم.

محیط ما لبریز از محرک‌های مختلف است. این محرک‌ها گیرنده‌های حسی همچون گوش و چشم را تحریک می‌کنند که به نتیجه آن احساس می‌گویند. به کمک «توجه»، یک یا چند محرک احساس شده را انتخاب می‌کنیم؛ سپس محرک انتخاب‌شده را تعبیر و تفسیر می‌کنیم.

به فرایند تفسیر محرک‌های انتخابی، «ادراک» گفته می‌شود. در مرحله بعد، تفسیرهای خود را در محفظه‌ای نگهداری می‌کنیم که به آن «حافظه» می‌گویند. اندیشمندان تمایل ندارند همانند لوح فشرده، حاوی اطلاعات خام باشند، بلکه سعی می‌کنند از اطلاعات موجود در حافظه، استنباط‌های زیادی داشته باشند؛ به عبارت دیگر سعی می‌کنند با بازنمایی آنچه در حافظه است به مراتب بالاتر شناخت دست یابند. فرایند بازنمایی اطلاعات موجود در حافظه، «تفکر» نام دارد. تفکر شامل استدلال، قضاوت، حل مسئله و تصمیم‌گیری است. با توجه به اهمیت موضوع حل مسئله و تصمیم‌گیری، این دو موضوع در فصل‌های ۵ و ۶ به تفصیل توضیح داده خواهد شد.



چگونگی شکل‌گیری سطوح مختلف شناخت

فعالیت ۸-۱

با توجه به مراحل شکل‌گیری شناخت، تفکر به چه چیزی نیاز دارد؟ آیا فردی که حافظه قوی دارد، متفکر است؟

تفکر به توجه، ادراک و حافظه نیاز دارد. لازماً تفکر آن است که از اطلاعات حافظه استنباط‌های زیادی داشته باشیم و با بازنمایی محتویات حافظه، به تفکر برسیم؛ بنابراین باید محتویات حافظه به کمک استدلال، قضاوت و حل مسئله و تصمیم‌گیری به تفکر منتهی شود.

با توجه به شکل بالا می‌توان گفت که از توجه تا تصمیم‌گیری شناخت نامیده می‌شود. متخصصان به فرایندهایی همچون توجه، ادراک و حافظه، «شناخت پایه» و به انواع تفکر، «شناخت عالی» می‌گویند. هرچه از شناخت پایه به سوی شناخت عالی پیش می‌رویم، عمل پردازش پیچیده‌تر می‌شود. «پردازش» به معنای دریافت و فهم بیشتر است. انسان‌ها در پردازش به یک شیوه عمل نمی‌کنند. برخی از پردازشگران، صرفاً بر ویژگی‌های حسی، همانند اندازه و شکل ظاهری محرک، تکیه دارند: نوع پردازش در چنین حالتی، «پردازش ادراکی» است. برخی دیگر سعی می‌کنند به ویژگی‌های مشترک محرک‌های مختلف دسترسی داشته باشند؛ به عبارت دیگر به مفهوم می‌رسند. نوع پردازش این قبیل افراد، «پردازش مفهومی» است.

هرچه پردازش ما مفهومی‌تر باشد، شناخت شکل گرفته، پایدارتر و کارآمدتر خواهد بود. با توجه به شکل صفحه قبل عالی‌ترین مرتبه شناخت حل مسئله و تصمیم‌گیری است. حل مسئله و تصمیم‌گیری مبتنی بر پردازش مفهومی، کارآمدتر از تصمیم‌گیری مبتنی بر پردازش ادراکی است.

فعالیت ۹-۱

موقعیت زیر را مطالعه و نوع پردازش آن را مشخص کنید.

سارا ۵ ساله و سپیده ۱۷ ساله با هم خواهند و به همراه مادرشان برای خرید لباس به فروشگاه رفته‌اند. سارا با دیدن لباس قرمزی بر خرید آن اصرار دارد. برخلاف سارا، سپیده لباس را از نظر نرمی، کیفیت، دوام و قیمت بررسی می‌کند و سپس تصمیم به خرید می‌گیرد. کدام تصمیم‌گیری کارآمدتر است؟ چرا؟



سارا تنها بر ویژگی حسی و رنگ لباس تأکید دارد (پردازش ادراکی)، اما سپیده بر ویژگی‌های کیفی لباس پرداخته (پردازش مفهومی)؛ بنابراین سپیده با توجه به نکات بیشتر؛ شناخت بهتری کسب کرده و به تصمیم کارآمدتری می‌رسد.

برای مطالعه

روان‌شناسی نزد پیشینیان

انسان از گذشته دور سعی کرده است «من» و «خویشتن» خویش را بشناسد. در تعالیم دینی هم، سودمندترین معارف بشری را «معرفت نفس» دانسته‌اند. شناخت ابعاد غیر جسمانی انسانی ابتدا در معارفی همچون فلسفه مطالعه می‌شد. به تدریج، ضرورت مطالعه تجربی ابعاد روان‌شناختی انسان محسوس‌تر شد. در سال ۱۸۷۹ برای اولین بار ویلهلم وونت آلمانی در شهر لایپزیک آلمان اولین آزمایشگاه روان‌شناسی را تأسیس کرد. محققان، این سال را مبدأ شکل‌گیری روان‌شناسی علمی می‌دانند. از آن سال به بعد، روان‌شناسی، با شتاب بسیار و به مدد روش‌های نوین، در کشورهای مختلف رشد یافته است.

در کنار یافته‌های مغرب زمین و حتی قبل از آن، دانشمندان اسلامی از دیرباز با الهام از قرآن کریم و دیگر تعالیم دینی سعی کردند به تبیین مضامین روان‌شناختی بپردازند. از نظر قرآن کریم حیات انسان به دو شکل دنیوی (که مشترک با سایر جانداران است) و اخروی یا ابدی مطرح می‌شود (سوره نحل، آیه ۹۷). قرآن، زندگی دنیوی را متاعی فریبنده (سوره انعام، آیه ۳۲) و سرای آخرت را سرای زندگانی و آرامش می‌داند (سوره عنکبوت، آیه ۶۴). از نظر قرآن کریم عامل تغییر و تحول اجتماعی، خود انسان است (سوره انفال، آیه ۵۳). هر جامعه‌ای از دید قرآن در گرو کردار خویش است (سوره بقره، آیه ۱۳۴).

جاحظ (۲۵۵-۱۵۰ ق) از پیشگامان روش علمی-تجربی است. ابزارهای شناخت انسان از نظر وی، حس، عقل و الهام است. ابن سحنون (۲۵۶-۲۰۲ ق) از دیگر دانشمندانی است که درباره هدف‌های آموزشی و وظایف معلم و آموزش، مطالب ارزنده‌ای دارد. کندی (۲۶۰-۱۸۵ ق) اولین فیلسوفی است که در اسلام به شرح و توصیف «نفس» و اقسام آن به شیوه ارسطو پرداخته است.



ابن سحنون (۲۵۶-۲۰۲ ق)

ابونصر فارابی (۳۳۹-۲۵۸ ق) در نظم بخشیدن به علوم و ایجاد هماهنگی میان آنها تلاش علمی وافری کرده است. به نظر فارابی برای رسیدن به سعادت باید بعد مثبت انسان تقویت شود. از نظر او شکوفایی فطرت‌ها از طریق «آموزش» امکان‌پذیر است.



ابونصر فارابی (۳۳۹-۲۵۸ ق)

ابن‌سینا (۴۲۸-۳۷۰ ق) بر اهمیت ادراک حسی در جریان شناخت تأکید دارد. شناخت راستین را «شناخت عقلی» می‌داند. خودشناسی و تربیت نفس، توجه به تفاوت‌های فردی، شناخت استعدادها، در نظر گرفتن مراحل رشد، آموزش گروهی و تشویق، از اصول و روش‌های تربیتی ابن‌سینا است.



ابن‌سینا (۴۲۸-۳۷۰ ق)

از جمله مشاهیر دیگری که در موضوع نفس و مراتب شناخت، آثار علمی گران‌قدری نگاشته‌اند، می‌توان از ابوحامد غزالی، شهاب‌الدین سهروردی، خواجه‌نصیرالدین طوسی، مولوی، سعدی و ابن‌خلدون نام برد.

با بررسی اجمالی پژوهش‌های اندیشمندان اسلامی می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر این مطالعات جنبه‌ی صوری نظریه‌پردازی بوده است. لیکن در بعد تجربی با اینکه این دانشمندان آغازگران خوبی بوده‌اند، ولی این موضوع تداوم نیافت. خوشبختانه در عصر جدید، در دنیای اسلام، به خصوص در کشور عزیز ما پژوهش‌های چشمگیری در حوزه روان‌شناختی صورت گرفته است.

فعالیت ۱_۱۰



با استفاده از اینترنت، با کلیدواژه «پر تولیدترین محققان علوم انسانی کشور» را جستجو کنید و فعالیت‌های علمی آن‌ها را موردتوجه قرار دهید، چه تعدادی از این محققان در حوزه روان‌شناسی فعالیت داشته‌اند؟